

سنة الموعود
نورفاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org





چهل داستان در باره نماز و نماز گزاران

نویسنده:

یدالله بهتاشی

ناشر چاپی:

سبحان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- چهل داستان در باره نماز و نماز گزاران ۷
- مشخصات کتاب ۷
- ۱- اهتمام علی علیه السلام به نماز اول وقت ۷
- ۲- بوستان ابوظلمه ، صدقه ای به خاطر حواس پرتی ۷
- ۳- امام خمینی و اهمیت نماز ۷
- ۴- ملا محمد تقی برغانی قزوینی ، شهید محراب ۸
- ۵- امام رضا (ع) و نماز اول وقت به جماعت ۸
- ۶- نماز موجب فرو ریختن گناهان می شود ۸
- ۷- نماز چیست ؟ ۸
- ۸- بستن طناب تا در مسجد و حضور در صف نماز جماعت ۹
- ۹- امام سجّاد (ع) و نماز اعرابی ۹
- ۱۰- مستخفین به نماز ۹
- ۱۱- نماز استسقای مرحوم آیه الله خوانساری ۹
- ۱۲- نماز قیس بن سعد بن عباده ۱۱
- ۱۳- پیدا کردن گمشده به هنگام نماز ۱۱
- ۱۴- امیدوار کننده ترین آیات قرآن ۱۱
- ۱۵- پاداش نماز اول وقت ۱۲
- ۱۶- نماز را بر امتحان ترجیح داد ۱۲
- ۱۷- توصیه علی علیه السلام به کمیل ۱۳
- ۱۸- اثر نیک نماز ۱۳
- ۱۹- سفارش امام زمان (ع) درباره نماز صبح و مغرب ۱۳
- ۲۰- لباس زیبا در نماز ۱۳

- ۱۴ ۲۱- اهمیت نماز عصر
- ۱۴ ۲۲- سبک شمردن نماز
- ۱۴ ۲۳- راز لقب ((کلیم الله)) برای موسی علیه السلام
- ۱۴ ۲۴- داستان کسی که به خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیده بود
- ۱۵ ۲۵- نماز صالحان
- ۱۵ ۲۶- نماز سه مسلمان در تمام دنیا
- ۱۶ ۲۷- نماز اول وقت در لندن
- ۱۶ ۲۸- توصیه مدرس به دخترش
- ۱۶ ۲۹- نماز سحرگاهان
- ۱۶ ۳۰- امام خمینی و نماز
- ۱۷ ۳۱- داستانی از مرحوم ملاعباس تربتی
- ۱۷ ۳۲- تسلیم شدن در برابر نماز
- ۱۷ ۳۳- بانوی بداخلاق
- ۱۸ ۳۴- دین بی خیر
- ۱۸ ۳۵- عذاب قبر
- ۱۸ ۳۶- تاءکید پیامبر صلی الله علیه و آله به شرکت در نماز جماعت
- ۱۸ ۳۷- سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز
- ۱۹ ۳۸- عبادت این سرباز را ببینید
- ۱۹ ۳۹- از این جوانان ارجمند بیاموزیم
- ۱۹ ۴۰- چگونه نماز بخوانیم
- ۲۰ پی نوشتها
- ۲۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

چهل داستان در باره نماز و نماز گزاران

مشخصات کتاب

سرشناسه : بهتاش، یدالله، ۱۳۲۹ - ، گردآورنده عنوان و نام پدیدآور : چهل داستان درباره نماز و نماز گزاران/ تنظیم و گردآوری یدالله بهتاش مشخصات نشر : تهران: نشر سبحان، ۱۳۷۳. مشخصات ظاهری : ص ۸۰ شابک : بها: ۸۵۰ریال ؛ بها: ۸۵۰ریال ؛ بها: ۸۵۰ریال وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی یادداشت : چاپ چهارم: ۱۳۷۴؛ بها: ۱۲۰۰ ریال یادداشت : چاپ پنجم: تابستان ۱۳۷۵؛ بها: ۱۵۰۰ ریال ۵-۰۲-۵۹۷۸-۰۶۴-ISBN یادداشت : چاپ ششم: ۱۳۷۶؛ بها: ۱۵۰۰ ریال-۰۲-۵۹۷۸-۰۶۴-ISBN یادداشت : چاپ هفتم: ۱۳۷۸-۰۲-۵۹۷۸-۰۶۴-ISBN یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع : داستانهای مذهبی -- مجموعه ها موضوع : نماز -- داستان رده بندی کنگره : BP۹ب۹چ۹ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۸ شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۰۲-۷۳ م

۱- اهتمام علی علیه السلام به نماز اول وقت

هنگامی که علی علیه السلام در جنگ صفین سرگرم نبرد بود ، در میان هر دو صف کارزار ، مراقب حرکت و وضعیت خورشید بود (تا ببیند چه وقت به وسط آسمان می رسد تا نماز ظهر را بخواند) . ابن عباس عرض کرد : ((یا امیرالمؤمنین ، این چه کاری است که می کنید ؟)) حضرت فرمود : ((منتظر زوال هستم تا نماز بخوانیم .)) ابن عباس گفت : ((آیا حالا وقت نماز است با وجود اینکه سرگرم پیکار هستیم ؟)) علی (ع) فرمود : ((جنگ ما با ایشان بر سر چیست ؟ تنها به خاطر نماز است که با آنها نبرد می کنیم .)) (۱)

۲- بوستان ابوظلحه ، صدقه ای به خاطر حواس پرتی

می گویند ابی طلحه در بوستان خود نماز می گزارد ، در اثنای نماز نظرش به مرغی افتاد که در لابلای شاخه های درختی گیر کرده بود و راه نجاتی می جست . وی به آن مرغ چنان سرگرم شده بود که ندانست چند رکعت نماز به جای آورده است . پس ، خدمت رسول اکرم (ص) آمد و حال خود را بیان داشت و عرض کرد : ((بوستانم را صدقه قرار دادم ، در هر راهی که صلاح می دانید مصرف کنید .)) (۲) ببینید چگونه مجاهده با نفس و مخالفت با شیطان موجب می شود بوستانی که مرغ درخت آن صاحبش را در نماز مشغول داشته است ، ترک گفته شود .

۳- امام خمینی و اهمیت نماز

از قول فرزند امام نقل شده است : ((روز اولی که شاه رفت ، ما در نوفل لوشاتو بودیم . نزدیک به سیصد الی چهارصد خبرنگار اطراف منزل امام جمع شده بودند . تختی گذاشتند و امام روی آن ایستادند . تمام دوربینها کار می کرد . قرار بود هر چند نفر خبرنگار یک سؤال بکنند . دو سه سؤال از امام شد که صدای اذان ظهر شنیده شد . بلافاصله امام محل را ترک کردند و فرمودند : وقت فضیلت نماز ظهر می گذرد . تمام حاضرین از این که امام صحنه را ترک کردند ، متعجب شدند . کسی از امام خواهش کرد چند دقیقه ای صبر کنید تا حداقل چهار پنج سؤال دیگر بشود . امام با عصبانیت فرمودند : به هیچ وجه نمی شود . و رفتند .)) (۳)

۴- ملا محمد تقی برغانی قزوینی ، شهید محراب

مرحوم ملا محمد تقی برغانی از روحانیانی بود که در محراب عبادت به هنگام سحر در حالی که مشغول خواندن مناجات ((خمس عشره)) در سجده بود به دست فرقه بایبه به شهادت رسید. در احوال او می نویسند: ((عبادت آن جناب (قدس سره) چنان بود که همیشه از نصف شب تا طلوع صبح صادق به مسجد خود می رفت و به مناجات ادعیه و تضرع و زاری و تهجد اشتغال داشت و مناجات خمس عشره را از حفظ می خواند بر این روش و شیوه پسندیده استمرار داشت تا اینکه در یکی از آن شب ها شربت شهادت نوشید. مکرر در فصل زمستان دیده می شد که در پشت بام مسجد خود در حالی که برف به شدت می بارید، در نیمه شب پوستین بر دوش و عمامه بر سر داشت و مشغول تضرع و مناجات بود و در حالت ایستاده، دستها را به سوی آسمان بلند می کرد تا برف سراسر قامت مبارکش را از سر تا نوک پا سفیدپوش می کرد.)) (۴)

۵- امام رضا (ع) و نماز اول وقت به جماعت

ابراهیم بن موسی از القزاز می گوید: امام رضا علیه السلام به عنوان استقبال از بعضی از طالبان خارج شد (در حالی که من با عده ای از یاران با آن حضرت همراه بودیم). وقت نماز فرا رسید. قصری در آن حوالی بود. امام (ع) با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی ایستادند و سپس امام به من فرمودند: ((اذان بگو.)) عرض کردم: ((منتظر رسیدن و ملحق شدن بعضی از یاران هستیم که بیایند.)) حضرت فرمود: ((خدا تو را بیامرزد، نماز را از اول وقت بدون عذر به تأخیر نیانداز. بر تو باد خواندن نماز در اول وقت.)) راوی گفت: پس اذان گفتم و نماز خواندیم. (۵) خواننده محترم، نمازی که امام رضا (ع) به پا داشت، نماز جماعت بود که هر چه جمعیت بیشتر باشد ثواب نماز جماعت بیشتر است، ولی توجه نمودید که امام (ع) اجازه نفرمود نماز اول وقت، به خاطر رسیدن و ملحق شدن بقیه یاران به تأخیر بیفتد، بلکه تأکید کرد که نماز اول وقت خوانده شود و تأخیر را صلاح ندانست. اینکه امام رضا (ع) فرمود: ((ای موسی، بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت بپا داری)) خطاب به فرد فرد ماست و اختصاص به آن شخص ندارد.

۶- نماز موجب فرو ریختن گناهان می شود

ابن عباس گوید: من و سلمان در زیر درختی نشسته بودیم. سلمان شاخه درختی را که برگهایش خشک شده بود، چنانند و در نتیجه آن همه برگها به زمین ریخت. جناب سلمان فرمود: ((ای ابوعثمان، از من نمی پرسی که چرا چنین کردم؟)) گفتم: ((سبب این کار چه بود؟)) فرمود: ((با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زیر این درخت نشسته بودیم، آن حضرت چنین کرد که من کردم و سپس به من فرمود: ای سلمان، از من نمی پرسی که چرا چنین کردم؟ من عرض کردم: یا رسول الله، سبب چه بود؟ حضرت فرمود: مؤمن چون وضو بگیرد بر آن وجهی که دستور آمده بود، و بعد از آن نمازهای پنجگانه شبانه روز را بجای آورد، گناهان او بریزد بسان این برگها که از این درخت فرو ریخت.)) آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: ((واقم الصلوة طرفی النهار و زلفا من اللیل... (۶) و بپای دار نماز را هر دو سر روز و پاره هایی از شب...)) (۷)

۷- نماز چیست؟

روزی حضرت امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه جوانی را مشغول نماز خواندن دید. جوان با حضور قلب و توجه تام نسبت به آداب نماز، نماز می خواند. حضرت به او فرمود: ((ای جوان، تاءویل نماز چیست؟)) جوان عرض کرد: ((آیا نماز را جز

عبودیت ، تاءویلی است؟! که بدون آن ، ناقص و ناپسند است . تاءویل حقیقت نماز ، عبارت است از : قربت ، خلوص ، حضور قلب و توجه ، معرفت خدا و محبت اهل بیت علیهم السلام ، که بدون آن هیچ عملی صحیح نخواهد بود ، اگر چه در همه دهر صائم و روزه دار باشد و در بین صفا و مروه به عبادت قیام کند .)) (۸) آری ، روح نماز همانا قربت و خلوص ، توجه و حضور قلب ، و معرفت و محبت اهل بیت علیهم صلوة المصلین است .

۸- بستن طناب تا در مسجد و حضور در صف نماز جماعت

مرد نابینایی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شرف یاب شد و عرض کرد : ((یا رسول الله ، چشمانم دید ندارد و چه بسا پیش آمده که اذان مسجد را می شنوم ولی کسی پیدا نمی شود که دستم را بگیرد و برای اقامه نماز جماعت در کنار شما مرا به مسجد بیاورد .)) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود : ((طنابی به در منزلت ببند و آن را به در مسجد وصل کن و با کمک آن خود را به مسجد برسان و در نماز جماعت شرکت کن .)) (۹)

۹- امام سجّاد (ع) و نماز اعرابی

عربی وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شد ، با عجله تمام دو رکعت نماز گذاشت ، در هیچ رکنی شرایط و آداب مربوطه نکرد و در قرائت و حفظ مخارج و الفاظ و حروف و کلمات هیچ گونه دقتی به عمل نیاورد . به عبارت دیگر ، نماز را با طمأنینه و سکون ، و وقار و خضوع و خشوع به جا نیاورد . آنگاه برای دریافت مزد نمازی که خوانده بود دستهایش را به آسمان برداشت و گفت : ((خدایا ، اعلیٰ علین ، بهشت را روزی من کن و قصری زرین و چهار حوریه به من عطا فرما .)) از قضا امام سجّاد (ع) در آنجا حضور داشت و نماز خواندن شتابزده و درخواست اعرابی را از خداوند شنید ، پس خطاب به او فرمود : ((ای برادر عرب ، کابین و ازدواج بزرگی طلب می کنی .)) یعنی نمازی که تو با این وصف گزارده ای ، شایستگی درخواست بهترین نعمتها و عالی ترین مکانها را از درگاه باری تعالی ندارد . (۱۰)

۱۰- مستخفین به نماز

ابوبصیر یار با وفای حضرت امام جعفر صادق (ع) می گوید : در زمان شهادت حضرت صادق (ع) در مدینه منوره حضور نداشتم . پس از مراجعت از سفر ، به عنوان تغزیت و تسلیت به محضر ((امّ حمیده)) همسر آن حضرت رفتم . امّ حمیده وقتی مرا دید ، به شدت گریست و فرمود : ((ای ابا محمد ، (۱۱) کاش در هنگام رحلت آن جناب حاضر بودی و می دیدی که آن حضرت یکی از دو چشمان مبارکش را بست و سپس فرمود : خویشان و اقوام و هر کس را که به من لطف و محبتی دارد خبر کنید تا بیایند . وقتی همه به حضور آن جناب رسیدند و در دور بسترش گرد آمدند ، فرمود : هرگز شفاعت ما به کسی که نمازش را سبک بشمارد و استخفاف به نماز داشته باشد ، نمی رسد .)) (۱۲) بزرگترین آرزوی ما در آخرت ، شفاعت پیامبر و آل گرامی اش - علیهم صلوة المصلین - است . بنابراین ، نباید به نمازمان با بی توجهی برخورد کنیم و برای آن اهمیتی قائل نباشیم ، چرا که در این صورت از نعمت بزرگ شفاعت محروم می شویم .

۱۱- نماز استسقای مرحوم آیه الله خوانساری

در سال ۱۳۶۳ هجری قمری رحمت حق تعالی از شهر قم و حومه آن قطع شده و از آغاز بهار تا اوایل خرداد حتی قطره ای باران از آسمان نازل نشده بود . دشت و هامون خشک و مزارع در اثر بی آبی پژمرده شده بود و آخرین مراحل حیات خود را طی می کرد

ابراهیم اندوه و وحشت بر سراسر منطقه سایه افکنده بود و خرمن امید مردم را بر باد می داد. در چنین موقعیت خطرناک و ساعات وحشتناکی که امید افراد رفته رفته به ناامیدی مبدل می شد و بیم قحطی و غلای این سامان را تهدید می کرد، نسیم صبح رحمت وزیدن گرفت: یگانه مرد ایمان و خداپرستی که در کانون معرفت، اسرار حقیقت آموخته بود و آن گوهر گرانبهایی که در گنجینه تقوا و فضیلت برای چنین موقعی اندوخته شده بود، با عزمی متین و ایمانی راسخ دامان همت به کمر زد و تصمیم گرفت به وسیله نماز استسقاء و دعا، از منبع رحمت الهیه طلب باران نماید و روی عجز و نیاز به درگاه خداوند رحیم بی نیاز آورد. پس، اراده خود را به عموم طبقات اعلام کرد و در روز جمعه یک ساعت بعد از طلوع آفتاب عازم گردید تا با رعایت دستور مقدس اسلام مشغول نماز شود. مردمی که بر اثر سستی ایمان به خداوند، خوش گمان نبودند، به رغم فساد درونی خود، از راه خیرخواهی، به حضرتش معروض داشتند: ((ممکن است این نماز، بی اثر بماند و به مقام شامخ شما لطمه بخورد.)) ولی آن رادمرد، با حسن ظنی که به خدای خود داشت و جز خدای خود هیچ کس را نمی دید و جز سخن حق سخنی نمی شنید، بدین سخنان وقعی نگذارد و فرمود: ((من به دستوری که از شارع اسلام رسیده است عمل می کنم و وظیفه خود را انجام می دهم و بیمی از گفته این و آن ندارم. آنچه صلاح باشد، واقع خواهد شد.)) آنگاه طبق مقررات دینیه خود با جمعی از مردان با ایمان و با داشتن روزه، چنانکه دستور رسیده است، ردای مبارک را از راست به چپ و برعکس انداخت و با پای برهنه، مانند عموی بزرگوارش حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام که در ((مرو)) خراسان برای استسقاء به بیابان رفت، استغفار کنان رهسپار سمت خارج ((خاک فرج)) (۱۳) گردید و به امید فتح و فرج رو به بیابان نهاد. این حادثه مصادف با زمانی بود که متفقین ایران را اشغال کرده و واحدهایی از سربازان انگلیسی و امریکایی در حدود ((خاک فرج)) استقرار یافته بودند. در این میان چند نفر از دشمنان قرآن از فرقه ضالّه و مضلّه بهائیه، به آنها خبر داده بودند که عده زیادی از اهالی در نظر دارند به این محدوده بیایند و چاه آبی را که مورد استفاده شماسست پر کنند و بعد برای نابود کردنشان به شما حمله بیاورند. نیروهای متفقین که این خبر را شنیدند، چون از جریانات و قضایا هیچ اطلاعی نداشتند و از طرفی هم هیاهوی مردم این گفته ها را تاءبید می کرد، کاملاً برای دفاع آماده شدند و حتی تیربارها را به سوی جمعیت قرار دادند تا هنگام حمله مردم از خود دفاع کنند. مرحوم آیه الله فقیه که تنها متوجه خدا بود و هدفی خاص داشت، با نهایت رشادت و متانت به راه خود ادامه داد و با حضور و متجاوز از بیست هزار تن از همراهان، در حال تضرع و خشوع به ذات مقدس ربوبی، نماز استسقاء را بجای آورد و آن را با خطبه و دعا پایان می داد. دلها پر تپش و رنگ از رخ افراد پریده بود. هر کس با خود زمزمه می کرد که آیا دعا به هدف اجابت خواهد رسید یا خیر؟ متخصیصان اروپایی که در لشکر متفقین بودند، اوضاع جوئی را به دقت مورد بررسی قرار داده و اظهار داشتند که علائمی از نزول باران به چشم نمی خورد. روز دیگر، باز مرحوم آیه الله فقیه - اعلی الله مقامه الشریف - با جمعی از خواص اهل علم با خضوع و خشوع بیشتری به خارج محدوده رفتند و به حکم ((من لّجّ بابا ولّجّ)) بر اصرار و استغاثه افزودند و با چشم گریان و دل بریان چنین با خدای تو راز و نیاز کردند: ((خدایا، اگر بندگان تو مخالفت و معصیت تو را می کنند، تو آنان را به غضب خود و قطع رحمتت، مؤاخذه مفرما و بر آنان رحم کن، که تو ارحم الراحمینی.)) آنگاه از قبیل ادعیه ماءثوره و غیر ماءثوره خواندند و به سجده افتادند و با تضرع و زاری تقاضای نزول رحمت کردند. ناگهان آثار رحمت حق تعالی در آسمان ظاهر گردید و ابرهای متراکم، آسمان قم را پوشانید. مردم به سوی خانه ها روانه شدند، ولی هنوز به مقصد نرسیده بودند که باران سیل آسایبی شروع به بارید کرد و شهر و حومه را سیراب ساخت، بطوریکه سیل در رودخانه قم به راه افتاد. روح تازه ای در سراسر باغات و مزارع و بیابانهای سوزان دمیده شد و زمین که بر اثر بی آبی خشک و تفته شده بود، خلد برین گردید. ظهور این کرامت بزرگ و دعای سریع الاجابه، در جهان اثر عجیبی بخشید، بطوریکه ژنرالها و فرماندهان لشکر متفقین نیز تسلیم مقامات دینی شدند و از آن بزرگوار خواستند برای رفع غائله جنک جهانی دعا فرمایند و مقامات رسمی لندن و واشنگتن وقوع این حادثه شگفت انگیز را از طریق رادیو، در تمام دنیا پخش کردند.

در نتیجه ، حقانیت دین مبین اسلام و ارزش حوزه علمیه قم عملاً بر جهانیان آشکار گشت و بر آن مردم عادی و عناصر ناپاکی که به دیانت اسلام و حوزه علمیه قم به نظر منفی و حقارت میگریستند ، ثابت شد که مردان پاک و بافضیلتی در عالم هستند که بی واسطه با عالم غیب پیوستگی پیدا می کنند و می توانند با نیروی ایمان جهانی را تکان دهند و طبیعت را با اذن خداوند در زیر فرمان آورند . (۱۴)

۱۲- نماز قیس بن سعد بن عباد

جناب قیس ، از صحابه بزرگ و از اشراف عرب به حساب می آمد . وی از رؤ سا ، سیاستمداران ، جنگ آوران ، سخاوتمندان ، سخنرانها ، زاهدان و دانشمندان شمرده می شد و از پایه های اصلی دین و استوانه مذهب بود . بعلاوه ، قیس رئیس طایفه ((خزرج)) و از خاندانهای بزرگ این طایفه بود . خاندان او ، هم در دوران جاهلیت و هم در زمان اسلام دارای مجد و عظمت بودند . قیس در مرتبه خوف از خداوند و شدت بندگی و اطاعت نسبت به ذات پروردگار به جایی رسیده بود که روزی به هنگام نماز ، در سجده گاهش ماری نمایان شد ، ولی او بی آنکه به این خطر توجهی داشته باشد یا ترسی به خود راه دهد ، برای سجده خم شد و طوری فرود آمد که در پهلوی مار به سجده رفت . در این هنگام ، مار به دور گردن قیس پیچید . ولی او از نماز خود کوتاهی نکرد و چیزی از آن نکاست ، تا آنکه از نماز فارغ شد و مار را با دست خود از گردن جدا ساخت و به طرفی افکند . (۱۵)

۱۳- پیدا کردن گمشده به هنگام نماز

الوالعباس جوالقی روزی جوالی به کسی داد و فراموش کرد به چه کسی داده است . هر چه اندیشید ، یادش نیامد . روزی به نماز ایستاده بود ، یادش آمد که جوال خود را به چه کسی داده است . به دکان رفت و به شاگرد خود گفت : ((یادم آمد که جوال را به چه کسی داده ام .)) شاگردش گفت : ((چگونه یادت آمد ؟)) الوالعباس گفت : ((در نماز یادم آمد .)) شاگرد گفت : ((ای استاد ، به نماز خواندن مشغول بودی یا به جوال جستن ؟)) الوالعباس متوجه کار بدش شد و دکان را رها کرد و به طلب علم پرداخت و چندان علم بیاموخت تا مفسیر قرآن شد . (۱۶) هنگام نماز ، حواس نمازگزار باید از تشتت و پراکندگی بدور باشد و در یک چیز خلاصه گردد . آری باید قلب متوجه یک چیز باشد و آن فقط خداست و بس ، که اگر از خدا غافل گردد ناچار خشوع و حضور قلب در غیر خدا خلاصه می شود .

۱۴- امیدوار کننده ترین آیات قرآن

ابو حمزه ثمالی از یکی از امامین همامین ، امام محمّد باقر یا امام جعفر صادق عیهمما السّلام ، روایت کرده است که : امیرالمؤمنین علیه السّلام روزی خطاب به اصحاب خود فرمود : کدامیک از آیات کلام الله مجید نزد شما امیدوار کننده ترین آیات است ؟ بعضی گفتند آیه : ((ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء . . .)) . (۱۷) همانا خداوند مشرک را نمی آمرزد و می آمرزد پایین تر از شرک را برای کسی که بخواهد . . . حضرت فرمود : نیکو آیه ای است ، اما امیدوار کننده ترین آیات برای غفران و آمرزش معاصی نیست . عده ای دیگر گفتند آیه : ((و من یعمل سوء او یظلم نفسه ثم یتستغفر الله یجد الله غفوراً رحیماً)) . (۱۸) و کسی که به کاری زشت پردازد یا ستم بر خویشان کند و سپس از خدا آمرزش خواهد ، بیابد خداوند را آمرزنده مهربان . حضرت فرمود : نیکو آیه ای است ، اما آیه مورد نظر نیست . بعضی دیگر گفتند آیه ((قل یا عبادي اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً . . .)) (۱۹) بگو ای بندگانم که با گناه به نفس خود اسراف می ورزید . از رحمت خدا مأیوس نباشید ، چون خداوند جمیع گناهان را می آمرزد . . . حضرت فرمود : نیکو آیه ای است ، اما آیه مورد نظر نیست .

بعضی دیگر گفتند آیه: وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ... (۲۰) تقواییشان آنها را آنقدر گناه کار ناشایستی از ایشان سرزند یا ظلمی به خویش کنند، خدا را به یاد آورند و از گناه خود استغفار نمایند... حضرت فرمود: نیکو آیه ای است، اما آیه مورد نظر نیست. آیا آیه دیگری نمی دانید که به نظر شما امیدوار کننده ترین آیات قرآن باشد؟ اصحاب عرض کردند: نه امیرالمؤمنین، به خدا سوگند چیزی در نزد ما نیست که بخوانیم. امام فرمود: از حبیب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: امیدوار کننده ترین آیه در قرآن این آیه شریفه است: وَاقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزَلْفًا مِنَ اللَّيْلِ... (۲۱) و پای دار نماز را هر دو سر روز و پاره هایی از شب... سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ((یا علی، به خدایی که مرا بشیر و نذیر قرار داد و مبعوث به رسالت گردانید، اگر یکی از شما به وضو قیام کند، گناهان و معاصی او از اعضای بدنش فرو می ریزد تا وقتی که با صورت و قلب خود متوجه قبله شود، از قبله و نمازش بر نگردد مگر آنکه جمیع گناهان او بریزد و هیچ گناهی بر صحیفه عملش باقی نماند همچون روزی که از مادر متولد شده باشد و هرگاه ما بین دو نماز گناهی از او صادر شده باشد با خواندن نماز آمرزیده شود و از گناهان پاک گردد.)) آنگاه پیامبر نمازهای پنجگانه را که موجب آمرزش هستند، شماره کرد و فرمود: ((یا علی، بدان که منزلت نمازهای پنجگانه برای امت من مانند نهری است که بر در خانه یکی از شما باشد. اگر شخصی بدنش چرکین باشد و هر روز پنج بار در آن نهر شستشو کند آیا چیزی از آن چرکها باقی خواهد ماند؟ سوگند به خدا، نمازهای پنجگانه برای امت من چنین است که تمام گناهانشان را پاک می کند و تیرگی قلبشان را می برد.)) (۲۲)

۱۵- پاداش نماز اول وقت

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام یازدهم حضرت حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: ((موسی بن عمران با خداوند سخن گفت و عرض کرد: بار خدایا، جزای کسی که نمازش را در اول وقت می خواند چیست؟ خداوند فرمود: خواسته هایش را بر می آورم و بهشت را به او مباح می گردانم.)) (۲۳) آری، چون نماز گزار محبوب ترین کارهای خود را نادیده می گیرد و فریضه الهی را بر همه منافع خود مقدم می دارد، خداوند نیز محبوب ترین و بهترین جایگاه را که بهشت است، برای او مباح و حلال می گرداند و او را به بهترین نعمتهای بهشت خویش متنعم می سازد.

۱۶- نماز را بر امتحان ترجیح داد

آقا سید محسن جبل عاملی از علمای بزرگ شیعه و نواده برادر مرحوم آقا سید جواد صاحب مفتاح الکرامه است. ایشان در دمشق مدرسه ای تاسیس کرده اند که دانش آموزان شیعه در آن مدرسه تحت نظر آن جناب تحصیل می کنند. حاج سید احمد مصطفوی که یک از تجار قم است گفت من از خود سید محسن امین شنیدم که می گفت یکی از تربیت یافتگان مدرسه ما برای تحصیل علم به آمریکا مسافرت کرد، از آنجا کاغذی برای من نوشت به این مضمون: چند روز پیش شاگردان مدرسه ما را امتحان می کردند، من هم برای امتحان رفتم. مدتی نشستم تا نوبت به من رسید. بسیار طول کشید تا اینکه وقت دیر شد، دیدم اگر بنشینم نماز فوت می شود. از جا حرکت کردم که بروم نماز بخوانم، آنهایی که در آنجا بودند پرسیدند کجا می روی، چیزی نمانده که نوبت تو برسد. گفتم من یک تکلیف دینی دارم، وقتش می گذرد. گفتند امتحان هم وقتش می گذرد، اگر این جلسه برگزار شود، دیگر جلسه ای تشکیل نخواهند داد و برای خاطر تو هرگز هیئت ممتحنه جلسه خصوصی تشکیل نمی دهند. گفتم هر چه با دادا باد! من از تکلیف دینی خود صرف نظر نمی کنم. بالاخره رفتم. از قضا هیئت ممتحنه متوجه شده بودند که من به اندازه اداء یک وظیفه دینی غیبت نموده ام، انصاف داده و اظهار کرده بودند که چون این شخص در وظیفه خود جدی است، روانیست او را معطل بگذاریم، برای قدر دانی از اینکه عمل به وظیفه نموده باید جلسه ای خصوصی برایش تشکیل دهیم. این بود که جلسه

دیگری تشکیل دادند، من حاضر شدم و امتحان دادم. آقای سید محسن امین پس از نقل داستان فرمود: من در مدرسه چنین شاگردانی تربیت کرده ام که اگر به دریا بیفتند دامنشان تر نمی شود. (۲۴)

۱۷- توصیه علی علیه السلام به کمیل

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد نخعی درباره خصوصیات و کیفیت اقامه نماز می فرماید: ((ای کمیل، شائن و قدر و منزلت در عبادت و اطاعت خدا به این نیست که نماز بگزارای و روزه بداری و صدقه بدهی، بلکه شائن و منزلت در این است که نماز را با قلب پاک بگزارای و سلیم النفس باشی و عملی خداپسندانه را با خشوعی انجام دهی که سرپای وجودت را فرا گیرد. (۲۵) بنگر در آن چیزی که در آن و بر آن به نماز ایستاده ای که اگر غصبی و حرام باشد، نماز قبول نیست و فایده ای ندارد.)) (۲۶) آری، نمازگزار نمی تواند اموال مردم را خائانه تصرف کند و مالک آن شود. حتی اگر در نماز از کمترین چیزی استفاده کند که صاحب آن راضی نباشد، نمازش باطل است و باید اعاده شود. بنابراین، نماز آدمی را از تجاوز به مال و ناموس مردم و حقوق آنها بر حذر می دارد و آدمی را به یک زندگی صحیح و مرضی خداوند بزرگ موفق و پایدار می گرداند.

۱۸- اثر نیک نماز

نماز جماعت با پیامبر صلی الله علیه و آله برپا شده و یکی از مسلمانان مدینه نیز در آن شرکت کرده بود که در عین نماز خواندن گناه نیز می کرد. این مطلب را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند. آن حضرت فرمود: ((انّ صلوته تنهاه یوما)) یعنی قطعاً نماز باعث می شود که او روزی سرانجام از کارهای ناشایست خود دست بردارد. (۲۷)

۱۹- سفارش امام زمان (ع) درباره نماز صبح و مغرب

مرحوم کلینی و شیخ طوسی و طبرسی از ((زهری)) نقل کرده اند که گفت: مدتهای مدید در طلب حضرت مهدی علیه السلام بودم و در این راه اموال فراوانی (در راه خدا) خرج کردم اما به هدف نرسیدم تا اینکه به خدمت محمّد بن عثمان (۲۸) رسیدم و مدتی در خدمت او بودم تا روزی از او به التماس خواستم که مرا به خدمت امام زمان علیه السلام ببرد. محمّد بن عثمان پاسخ منفی داد، ولی در مقابل تضرع بسیار من، سرانجام لطف کرد و فرمود: ((فردا اول وقت بیا.)) فردای آن روز، اول وقت به خدمت محمّد بن عثمان رفتم، دیدم جوانی خوش سیما و خوشبو همراه اوست و به من اشاره کرد که این است آن کس که در طلبش هستی. به خدمت امام زمان علیه السلام رفتم و آنچه سؤال داشتم، مطرح کردم. ایشان جواب مرا فرمود تا به خانه ای رسیدیم و داخل خانه شد و دیگر حضرتش را ندیدم. در این ملاقات، ایشان دوبار به من فرمود: ((از رحمت خدا بدور است کسی که نماز صبح را چندان به تاخیر بیندازد تا ستاره ها دیده نشوند و نماز مغرب را بقدری به تاخیر بیندازد تا ستاره ها نمایان شوند.)) (۲۹)

۲۰- لباس زیبا در نماز

گویند هنگامی که امام حسن مجتبی علیه السلام برای نماز آماده می شد، بهترین لباسهای خود را می پوشید. از آن حضرت پرسیدند: ((چرا بهترین لباسهای خود را می پوشید؟)) امام علیه السلام در پاسخ فرمود: انّ الله جمیل و یحب الجمال، فاتحمل لربّی و هو یقول: خذو زینتکم عند کل مسجد. (۳۰) همانا خداوند زیباست و زیبایی را دوست می دارد، پس من نیز لباس زیبا برای راز و نیاز با پروردگارم می پوشم و هم او فرمود: ((به هنگام رفتن در مسجد خود را به زینت دربر گیرید.)) (۳۱) بر همین اصل، طبق روایات مستحب است که انسان، برای نماز نیکوترین جامه خود را بپوشد، خود رامعطر کند و با رعایت نظافت و در

کمال طهارت به نماز و راز و نیاز با خدای بزرگ بپردازد .

۲۱- اهمیت نماز عصر

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی در غیاب شوهرش زنا کرد ، ولی پس از این عمل زشت ، سخت پشیمان و ناراحت شد و در حالی که بسیار پریشان بود ، در یکی از کوچه های مدینه می گذشت و فریاد می زد : ((دلونی علی رسول الله)) (مرا به سوی رسول خدا راهنمایی کنید) . پیامبر صلی الله علیه و آله او را دید و پرسید : ((چرا این گونه پریشان هستی و فریاد می زنی ؟)) زن عرض کرد : ((در غیاب همسرم زنا کردم ؛ پس از مدتی صاحب فرزندى شدم ؛ بعد از تولد ، او را در داخل خمره پر از سرکه گذاشتم و سپس سرکه را فروختم (مرتکب سه گناه شده ام : ۱) زنا کرده ام ، ۲) کودک را کشته ام ، ۳) سرکه آنچنانی را فروخته ام . ((فهل لی من توبه ؟)) (آیاتوبه ام پذیرفته است ؟ !)) . رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : ((زنا کرده ای ، پس باید سنگسار شوی ؛ مرتکب قتل شده ای که کیفرش دوزخ است ؛ سرکه آنچنانی را فروخته ای و در نتیجه گناه بزرگی کرده ای . اما گمانم آن است که نماز عصر را ترک کرده بودی و به خاطر ترک نماز عصر و سهل انگاری در نماز ، آن گونه منحرف شده بودی که چنین گناه بزرگی را مرتکب شدی .)) (۳۲)

۲۲- سبک شمردن نماز

مسعده بن صدقه گوید : شنیدم شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید : ((چرا شما زناکار را کافر نمی نامید ولی ترک کننده نماز را کافر می نامید ؟)) حضرت در پاسخ فرمود : ((زناکار و نظیر او ، این کار را به جهت غالب شدن غریزه جنسی و شهوات انجام می دهند ، ولی تارک نماز آن را ترک نمی کند مگر به خاطر استخفاف و سبک شمردن نماز .)) (۳۳) آری زناکار به خاطر لذت و کامیابی به سوی زن اجنبی می رود ، ولی کسی که نماز را ترک می کند ، در این کار لذتی را نمی جوید بلکه مسبب ترک آن ، سبک شمردن فعل است و وقتی که استخفاف و سبک شمردن محقق شد ، کفر به سراغ او خواهد آمد .

۲۳- راز لقب ((کلیم الله)) برای موسی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود : خداوند به حضرت موسی ابن عمران علیه السلام وحی کرد : ((ای موسی ، آیا می دانی که چرا تو را برای همکلامی خود برگزیدم و تو ملقب به کلیم الله شدی ؟)) موسی علیه السلام عرض کرد : ((نه ، راز این مطلب را نمی دانم .)) خداوند به او وحی کرد : ((ای موسی ، من بند گانم را مورد بررسی کامل قرار دادم ، در میان آنان هیچ کس را به اندازه تو در برابر خود متواضع و فروتن نیافتم .)) (یا موسی انک اذا صلیت وضعت خدک علی التراب)) (ای موسی ، هر گاه نماز می گذاری ، گونه ات را روی خاک می نهی و چهره ات را بر زمین می گذاری) (۳۴) به این ترتیب ، درمی یابیم که عالی ترین مرحله عبادت ، کوچک شدن بیشتر در برابر خداست .

۲۴- داستان کسی که به خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیده بود

استاد بزرگوارمان آیه الله حائری (دامه برکاته) می فرمایند : ((از جمله قضایای عجیبی که در زمان خود دیدم ، این بود که گفتند در قم ، مردی است به نام آقای اشکافی و او خدمت حضرت حجت سلام الله علیه می رسد . من یک روز عصر ، ظاهراً با جناب آقای حاج شیخ عبدالوهاب روحی که رفیق پنجاه ساله من است و جناب آقای حاج مهدی اخوی (سلمهما الله تعالی عن الآفات و البلیات) خدمت این مرد که منزل او در خیابان ایستگاه راه آهن بود ، رفتیم . مردی پیر و نورانی بود و آثار حقیقت و درستی در

جبهه او واضح و روشن بود و دستگاه رادیوی او هم در همان اطاق پذیرایی بود، و این دلیل بود بر اینکه این مرد هیچ اظهار و دکانداری نیست. من داستان تشرف را از او پرسیدم، گفت: ((من خوبی هستم. نظامی بودم و در مدرسه نظام کشور ترکیه نیز تحصیل کرده ام. مدت‌ها در قشون بودم. یک زمانی در تهران پای منبر بودم، ناطق دستوری را برای کسی که بخواهد به خدمت حضرت (عج) برسد، ذکر کرد و من آن دستور را عمل کردم و خدمت حضرت رسیدم و حوایج خود را عرض کردم.)) پس از آنکه مرد نورانی دستور را بدون مضایقه و تردید برای ما نقل کرد، من از او دو سؤال کردم: یکی آنکه آیا بطور معاینه خدمت آقا رسیدی؟ معلوم شد به طور مکاشفه می رسیده است. سؤال دوم این بود که شما چه خصوصیت اخلاقی داشتید؟ گفت: من در هیچ اوضاع و شرایط نماز خود را ترک نکردم و دیگر اینکه به احدی ظلم و ستم نکرده ام.)) (۳۵)

۲۵- نماز صالحان

حاتم اصم از عابدان وارسته و مخلص بود. یکی از مسلمین بنام عصام بن یوسف نزد او آمد و از روی اعتراض به او گفت: ((تو چگونه نماز می خوانی؟)) حاتم گفت: ((هنگامی که وقت نماز فرا می رسد، برمی خیزم وضوی ظاهری و وضوی باطنی می گیرم.)) عصام گفت: ((وضوی باطنی چگونه است؟)) حاتم گفت: ((در وضوی ظاهر، اعضای وضو را با آب می شویم، اما در وضوی باطن آن اعضاء را با هفت خصلت می شویم: ۱) توبه، ۲) پشیمانی از گناهان سابق، ۳) ترک دلبستگی به دنیا، ۴) ترک تعریف و ستایش مخلوقات، ۵) ترک ریاست مادی، ۶) ترک کینه، ۷) ترک حسادت. سپس به مسجد می روم و آماده نماز می شوم، در حالی که کعبه را پیش رو می بینم و خود را در برابر خدای بزرگ یکپارچه محتاج می نگریم. گویی در محضر خدا هستم، بهشت را در طرف راست و دوزخ را در طرف چپ و عزرائیل را پشت سر خود مشاهده می کنم و گویی پاهایم روی پل صراط قرار گرفته است و این نماز، آخرین نماز من است؛ سپس نیت می کنم و تکبیر پاک می گویم و حمد و سوره را با تفکر و تامل می خوانم؛ آنگاه رکوع را با تواضع و خشوع انجام می دهم، و سپس سجده را با تضرع و زاری بجا می آورم و تشهد را با امید می خوانم و سلام نماز را با اخلاص می گویم. مدت سی سال است که نماز من این گونه است.)) عصام به حاتم گفت: ((این گونه نماز خواندن را شخصی غیر از تو نمی تواند انجام دهد.)) سپس گریه سختی کرد و از خدا خواست که چنین حالت عبادت را به او عنایت کند. (۳۶)

۲۶- نماز سه مسلمان در تمام دنیا

صیف کندی نقل می کند که در دوران جاهلیت (در آغاز بعثت) برای خریدن لباس و عطر از برای خانواده ام به مکه مسافرت کردم و با عباس بن عبدالمطلب (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) که فروشنده کالاها و لوازم زندگی بود، ملاقات نمودم. در نزد او بودم و به خانه کعبه نگاه می کردم، در حالی که خورشید به وسط آسمان رسیده و ظهر بود و هوا بسیار گرم بود. ناگهان دیدم جوانی آمد و به آسمان نگاه کرد و سپس روبروی کعبه ایستاد (و مشغول نماز شد). چند لحظه بعد دیدم نوجوانی آمد و در طرف راست او ایستاد و سپس چند لحظه ای نگذشت که بانویی را دیدم آمد و پشت سر آن دو نفر به نماز ایستاد. دیدم آن جوان به رکوع و سپس به سجده رفت و آن نوجوان و زن نیز رکوع و سجده بجا آوردند. به عباس گفتم: ((موضوع بزرگ و عجیبی می بینم.)) گفت: ((آری، امر عظیمی است. آیا می دانی این جوان و آن نوجوان و آن زن چه کسانی هستند؟)) گفتم: ((خیر.)) گفت: ((آن جوان محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله)، این نوجوان علی (علیه السلام)، و آن زن خدیجه (سلام الله علیها) است. پسر برادرم محمد (صلی الله علیه و آله) می گوید که خداوند خالق به این روش فرمان داده است. سوگند به خدا، در همه زمین جز این سه تن در این دین (اسلام) نیافته ام.)) (۳۷)

۲۷- نماز اول وقت در لندن

حدود پانزده سال پیش ، مقاله ای از استاد محمّد علی حومانی خواندم که خلاصه آن ، این بود : هنگام ظهر بود که در یکی از خیابانهای شهر لندن به پیرمردی برخوردی که جلوی در خانه خود ایستاده بود و برای نماز ظهر اذان می گفت . من آنجا ایستادم تا اذانش به پایان رسید ، سپس گفتم : ((السّلام علیکم .)) پاسخ داد : ((وعلیکم السّلام ورحمة اللّٰه وبرکاته)) تا به آیه شریفه ((و اذا حیتم بتحیّیه . . .)) (۳۸) عمل کرده باشد . سپس به من تعارف کرد و از من خواهش نمود که داخل خانه اش شوم . من داخل شدم ، دیدم او و همسرش به نماز ظهر مشغول شدند . پس از نماز ظهر ، بر سر سفره نشستند و با اصرار زیاد مرا هم به خوردن غذا واداشتند . ملاحظه کردم که با گفتن ((بسم اللّٰه الرّحمن الرّحیم)) مشغول خوردن شدند و پس از صرف غذا گفتند ((الحمدلّٰه ربّ العالمین)) . و یکی از اساتید دانشگاه لندن بود که بر اثر تحقیق و تتبع و کنجکاوی های فراوان ، به آیین اسلام گرویده بود و امثال او در دنیای غرب زیاد به چشم می خوردند . (۳۹)

۲۸- توصیه مدرس به دخترش

شهید آیه الله سید حسن مدرّس ، نابغه جهاد و افشاگری بر ضدّ ظلم و ستم و قهرمان شجاعت و شهامت ، در ماه رمضان ۱۳۵۶ هجری قمری در تبعیدگاه خود ، کاشمر توسط مزدوران رضاخان مسموم شد و به شهادت رسید ، در حالی که حدود هفتاد سال داشت . قبر شریفش در کاشمر (از شهرهای استان خراسان) مزار مسلمین است . گفتنی ها و حکایات در رابطه با این مرد بزرگ بسیار است ، از جمله اینکه در پشت صفحه اول قرآنی که از او به یادگار مانده و در نزد نوه اش نگهداری می شود ، به خطّ خود خطاب به دخترش چنین نوشته است . ((ای فاطمه بیگم ، تو را به سه مطلب توصیه می کنم : ۱) خواندن نماز و قرآن ، ۲) دعا در حق پدر و مادرت ، ۳) قناعت کردن در زندگی .)) (۴۰)

۲۹- نماز سحرگاهان

سعید بن محمّد بن جنید معروف به ((ابن جنید)) از دانشمندان و عرفای نامی قرن سوم به شمار می آید . او استادی زبردست و عالمی ناطق بود ، ولی در سلک صوفیان روزگار می گذرانید . او در سال ۲۹۷ هجری قمری از دنیا رفت . یکی از علمای بزرگ آن عصر بنام جعفر خالدی می گوید : او را در عالم خواب دیدم ، به او گفتم : ((خداوند با تو چگونه رفتار کرد ؟)) پاسخ داد : ((همه این اشارات و عبارات و رسوم و علوم (صوفیانه) که داشتیم به حال سودی نبخشید ، جز چند رکعت نمازی که در سحرگاهان می خواندم .)) (۴۱)

۳۰- امام خمینی و نماز

یکی از پزشکان قم چنین نقل می کند : ((هنگامی که امام خمینی - قدّس سرّه - دچار ناراحتی قلبی شدند ، خود را به بالین ایشان رسانده فشار خونشان را گرفتم . فشار ایشان عدد ((۵)) را نشان می داد که از نظر طبی بسیار خطرناک بود . کارهای اولیه را انجام دادم . پس از دو ساعت که قدری وضع بهتر شده بود ولی قاعدتا حضرت امام نایستی حرکت می کردند ، شاهد بودم که ایشان آماده حرکت شدند . عرض کردم : ((آقا جان ، چرا برخاستید ؟)) فرمودند : ((نماز !)) عرض کردم : ((آقا ، شما در فقه مجتهد و من در طب . حرکت شما به فتوای طبی من حرام است . خوابیده نماز بخوانید .)) ایشان با احترام ، نماز را خوابیده بجا آوردند . (۴۲)

۳۱- داستانی از مرحوم ملاعبّاس تربتی

یکی از فرزندان مرحوم آخوند ملا- محمّد کاظم خراسانی بنام حاج میرزا محمّد معروف به ((آقازاده)) مقیم مشهد بود و عالمی بسیار متعین و متفهم بود. مرحوم آقازاده که در رتق و فتق امور وارد بود، نوکران متعددی داشت و هر کدام برای انجام کاری تعیین شده بودند. یکی از نوکرانش مردی بود به نام حاج علی اکبر که از همه مثنی تر بود و غالباً سلاح کمری در زیر لباس داشت و محاذ آقا بود. این حاج علی اکبر، برای من که حسینعلی راشد فرزند مرحوم ملاعبّاس تربتی هستم، چنین نقل کرد: در ایام زمستان برای سرکشی به املاک آقا به نیشابور رفته بودم. در مراجعه به مشهد، در راه بین شریف آباد و مشهد (۴۳)، برفگیر شدیم و در قهوه خانه حوض حاج مهدی ماندیم. غیر از ما جمعی دیگر نیز به قهوه خانه پناه آورده بودند. شب فرا رسیده بود که اتومبیلی از طرف مشهد رسید و چهار نفر از جوانان پولدار و خوشگذران مشهدی که چهار خانم را با خود داشتند و نمی دانم به کجا می خواستند بروند (!؟)، به سبب برف و تاریکی شب ناچار به همین قهوه خانه پناه آوردند. آمدن آنها در آن شب تاریک برفی در کوهستان، بزم عشرتی مجانی برای مسافران بوجود آورد. جوانان بطریهای مشروب و خوراکیها را چیدند و زنهای بعضی به خوانندگی و بعضی به رقص پرداختند. در گرما گرم این بساط، در قهوه خانه باز شد و مرحوم حاج آخوند (۴۴) با سه چهار نفر که از تربت قصد رفتن به مشهد را داشتند و مرکبشان الاغ بود و از سنگینی برف و تاریکی شب امکان حرکت برایشان نبود و ناگزیر شده بودند که به قهوه خانه پناه بیاورند، وارد شدند. از صاحب قهوه خانه اجازه خواستند به آنها جایی بدهد و او گفت که سکوی آن طرف خالی است. من (حاج علی اکبر) با مشاهده این وضع هراسان شدم و گفتم نکند که از جانب حاج آخوند نسبت به اینها تعرض بشود و یا از جانب آنها به آن مرد اهانتی بشود. به همین خاطر خود را آماده کردم که اگر خواستند به حاج آخوند اهانت کنند در مقام دفاع برآیم؛ هر چه بادا باد. لکن حاج آخوند، به حالتی که نه کسی را می بیند و نه چیزی را می شنود به سوی آن سکو رفت و چون نماز مغرب و عشاء را نخوانده بودند از قهوه چپی جهت قبله را پرسیدند. حاج آخوند به نماز ایستاد و همراهانش به وی اقتدا کردند. یکی اذان گفت و حاج آخوند اقامه گفت و وارد نماز شدند. من هم غنیمت دانستم، وضو گرفتم و اقتدا کردم. چند نفر دیگر از مسافران نیز از بزم عشرت رو برگرداندند و به صف جماعت پیوستند. قهوه چپی نیز گفت غنیمت است، یک شب اقل- نمازی پشت سر حاج آخوند بخوانیم. خلاصه، وقتی از نماز فارغ شدیم، از جوانها و خانمها خبری و اثری نبود. بساط خود را جمع کرده و رفته بودند و نفهمیدم در آن شب برفی به کجا رفتند. (۴۵)

۳۲- تسلیم شدن در برابر نماز

بچه ها داشتند منطقه را پاکسازی می کردند. صبح عملیات (قدس پنج) بود. نماز نخوانده بودم. رفتم و وضو گرفتم. ایستادم به نماز، کنار پاسگاه ایچ. هنوز رکعت اول را تمام نکرده بودم که دو نفر عراقی از توی آب بیرون آمدند. نتوانستم باقی نماز را بخوانم. حفظ جان واجب بود. با اسلحه به طرفشان رفتم. لباسهایشان خیس بود. می لرزیدند. اسلحه نداشتند. رفتم برایشان لباس آوردم. به عربی پرسیدم: ((شما زیر آب چکار می کردید؟)) گفتند: ((دیشب وقت عملیات، قایقهای ما را عقب بردند تا نتوانیم فرار کنیم. از ترس رفتیم توی نزارها. وقتی دیدیم داری نگاهمان می کنی، از ترس خود را تسلیم کردیم.)) اما من اصلاً به نزار نگاه نکردم، فقط نماز می خواندم. (۴۶)

۳۳- بانوی بد اخلاق

عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. بانوی مسلمانی همواره روزه می گرفت و به نماز اهمیت بسیار می داد؛ حتی شب

را با عبادت و مناجات بسر می برد ولی بد اخلاق بود و با زبان خود همسایگان را می آزرده . شخصی به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد : ((فلان بانو همواره روزه می گیرد و شب زنده داری می کند ، ولی بد اخلاق است و با نیش زبانش همسایگان را می آزرده .)) رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : لآخر فیها هی من اهل النار . در چنین زنی خیری نیست و او اهل دوزخ است . (۴۷) از این داستان استفاده می شود که نماز خوان باید اخلاق هم داشته باشد .

۳۴- دین بی خیر

سال نهم هجرت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه بود . مردم گروه گروه به مدینه می آمدند و در محضر آن حضرت مسلمان می شدند . از جمله گروهی از طایفه ((ثقیف)) ، ساکن طائف آمدند . پس از گفتگو ، پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها فرمود : ((یکی از دستوره های اسلام نماز است و باید نماز بخوانید .)) آنها گفتند : ((ما خم نمی شویم ، زیرا این کار برای ما یک نوع ننگ و عار است .)) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ((لا- خیر فی دین لیس فیه رکوع و لا- سجود)) . دینی را که در آن رکوع و سجود نباشد ، خیری ندارد . به گفته بعضی از مفسران آیه ۴۸ سوره مرسلات در ردّ پیشنهاد آنها با این تعبیر نازل شد : ((و اذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون)) . و چون به آنها گویند رکوع کنید ، رکوع نکنند . (۴۸)

۳۵- عذاب قبر

امام صادق علیه السلام فرمود : شخص نیکوکاری از دنیا رفت و او را به خاک سپردند . در عالم قبر (ماءموران الهی) او را نشانند . یکی از ماءموران به او گفت : ((ما می خواهیم صد تازیانه از عذاب الهی را به تو بزنیم .)) مرد نیکوکار گفت : ((طاقت ندارم .)) ماءمور گفت : ((نودونه تازیانه می زنیم .)) او جواب داد : ((طاقت ندارم .)) ماءموران الهی (به خاطر اینکه آن شخص مرد نیکوکاری بود) عدد به عدد کم کردند و او مکرر در جواب می گفت ((طاقت ندارم)) ، تا اینکه ماءموران گفتند : ((یک تازیانه به تو می زنیم و دیگر هیچ راهی وجود ندارد . حتما باید این یک تازیانه را بخوری .)) پرسید : ((بخاطر چه گناهی تازیانه را می زنید ؟)) ماءموران در پاسخ گفتند : ((آنک صلیت یوما بغیر وضوء و مررت علی ضعیف فلم تنصره .)) تو یک روز بدون وضو نماز خواندی و از کنار مظلوم ضعیفی گذشتی ولی او را یاری نکردی . همان یک تازیانه را زدند ، قبر او پر از آتش شد . (۴۹)

۳۶- ناهکید پیامبر صلی الله علیه و آله به شرکت در نماز جماعت

امام صادق علیه السلام فرمود : پیامبر صلی الله علیه و آله طبق معمول برای اداء نماز صبح با جماعت وارد مسجد شد . پس از نماز ، به پشت سر نگاه کرد و دید عده ای از مسلمین برای نماز نیامده اند . نام آنها را به زبان آورد و فرمود : ((آیا این افراد در نماز شرکت کرده اند ؟)) حاضران عرض کردند : ((نه .)) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ((آگاه باشید بر افراد منافق . نمازی سخت تر از نماز عشاء و نماز صبح نیست . اگر آنها پاداش بسیار نماز صبح و عشاء را به جماعت در می یافتند ، گرچه چهار دست و پا مانند راه رفتن کودکان شیرخوار) باشد ، خود را به جماعت می رساندند .)) (۵۰)

۳۷- سفارش رسول خدا صلی الله علیه و آله در نماز

حضرت صادق علیه السلام فرمود : مردی خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شرف یاب شد ، عرض کرد : ((مرا به عمل نیکی سفارش فرما .)) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود : ((نماز را عمدا ترک نکن ، زیرا کسی که از روی عمد ترک نماز کند ، ملت اسلام از چنین شخصی بیزار است .)) (۵۱)

۳۸- عبادت این سرباز را ببینید

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سربازان مسلمان برای سرکوبی جمعیتی از اهل کتاب که هنوز قبول جزیه نکرده بودند، حرکت کرد. در این پیکار زنی تازه عروس اسیر شد. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام مراجعت، شبی در بین راه خوابید و نگهبانی آن شب را به عمار یاسر و عباد بن بشر واگذار فرمود. این دو سرباز ارجمند، یک شب نگهبانی را بین خود تقسیم کردند: نیمه اول نگهبانی نصیب عباد بن بشر گردید و در نصف آخر شب قرار شد عمار یاسر پاسبانی کند. عمار به خواب رفت و عباد بن بشر وقت را غنیمت شمرد و به نماز مشغول شد. از طرفی، مرد یهودی که زنش اسیر مسلمانان شده بود در تعقیب زن خود از پی لشکر اسلام آمد و در فکر شد به هر وسیله ای که هست آسیبی به پیغمبر صلی الله علیه و آله برساند و زن خود را فراری دهد. او خیال می کرد که نگهبانان لشکر همه به خواب رفته اند، چون هیچ کس را در حال نگهبانی نمی دید. عباد بن بشر را نیز که در نماز ایستاده بود، تشخیص نمی داد که انسان است یا درخت یا حیوان. برای اینکه از طرف او نیز مطمئن شود، تیری به جانبش پرتاب کرد. تیر بر پیکر عباد نشست، ولی این سرباز خداپرست اهمیتی نداد و نماز را ادامه داد. تیر دیگری آمد و برای مرتبه دوم پیکر عباد را مجروح ساخت، ولی او باز نمازش را قطع نکرد. تیر سوم که به بدن عباد وارد آمد، نماز خود را کوتاهتر کرد و آن را به پایان برد و عمار یاسر را بیدار ساخت. همین که عمار بیدار شد، دید سه تیر بر بدن عباد وارد شده است. او را مورد عتاب و سرزنش قرار داد که چرا در تیر اول بیدارم نکردی؟ گفت: ((آنوقت من در نماز، سوره کهف را شروع کرده بودم و میل نداشتم آن سوره را ناتمام بگذارم. اگر نمی ترسیدم از اینکه دشمن بر سرم بتازد و صدمه ای به پیغمبر برساند و در این نگهبانی که به من واگذار شده کوتاهی کرده باشم، هرگز نمازم را کوتاه نمی کردم اگر چه جانم را از دست می دادم.)) (۵۲)

۳۹- از این جوانان ارجمند بیاموزیم

آقا سید محسن جبل عاملی از علمای بزرگ شیعه و نواده برادر مرحوم آقا سید جواد، صاحب مفتاح الکرامه است. ایشان در دمشق، مدرسه ای تاسیس کرده که دانش آموزان شیعه در آن مدرسه تحت نظر آن جناب تحصیل می کنند. حاج سید احمد مصطفوی که یکی از تجار قم است، گفت: من از خود سید محسن امین شنیدم که می گفت یکی از تربیت یافتگان مدرسه ما برای تحصیل علم به آمریکا مسافرت کرد. از آنجا نامه ای برای من نوشت به این مضمون که: ((چند روز پیش شاگردان مدرسه ما را امتحان می کردند، من هم برای امتحان رفتم. مدتی نشستم تا نوبت به من برسد. خیلی طول کشید. دیدم اگر بنشینم، نمازم فوت می شود. از جا حرکت کردم که بروم نماز بخوانم، آنهایی که در آنجا بودند پرسیدند: ((کجا می روی؟ چیزی نمانده است که نوبت تو بشود.)) گفتم: ((من یک تکلیف دینی دارم که دارد وقتش می گذرد.)) گفتند: ((امتحان هم وقتش می گذرد. اگر این جلسه برگزار شود دیگر جلسه ای تشکیل نخواهند داد و به خاطر تو هیئت ممتحنه هرگز جلسه خصوصی تشکیل نمی دهد.)) گفتم: ((هرچه بادا باد! من از تکلیف دینی خود صرف نظر نمی کنم)) بالاخره رفتم. از قضا هیئت ممتحنه متوجه شده بودند که من به اندازه اداء یک وظیفه دینی غیبت کرده ام. انصاف داده و اظهار کرده بودند که چون این شخص در وظیفه خود جدی است، روانیست که او را معطل بگذاریم. برای قدردانی از اینکه عمل به وظیفه کرده است باید جلسه ای خصوصی برایش تشکیل دهیم. این بود که جلسه دیگری تشکیل دادند. من حاضر شدم و امتحان دادم)) آقا سید محسن امین پس از نقل داستان، فرمود: من در مدرسه چنین شاگردانی تربیت کرده ام که اگر به دریا بیفتند، دامنشان تر نمی شود. (۵۳)

۴۰- چگونه نماز بخوانیم

حماد بن عیسی گفت: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، به من فرمود: ((آیا می توانی نماز را خوب بخوانی؟)) عرض کردم: ((چگونه نمی توانم و حال آنکه کتاب ((حریز)) را که درباره نماز نوشته شده است، از حفظ دارم.)) حضرت فرمود: ((برای تو ضرر ندارد، برخیز و نمازی بخوان تا من ببینم که چگونه می خوانی.)) حسب الامر حضرت رو به قبله ایستادم و شروع به خواندن نماز کردم. تمام نماز را از نظر رکوع و سجود به جای آوردم، اما حضرت آن را نپسندید و فرمود: ((نماز را خوب نخواندی. واقعا چقدر زشت است برای مردی که شصت هفتاد سال از عمرش می گذرد و حال آنکه نمی تواند یک نماز کامل با مراعات حدود کامله آن بخواند.)) من خجالت کشیدم و خود را کوچک دیدم. عرض کردم: ((فدایت شوم، شما نماز را به من تعلیم دهید.)) پس، امام علیه السلام رو به قبله راست ایستادند و دستهای خود را آزاد گذاردند و انگشتهای دست آن حضرت به هم گذارده شده بود و مابین دو قدم آن حضرت از سه انگشت باز، و بیشتر فاصله نداشت و انگشتهای پای خود را رو به قبله کردند و تا آخر نماز هم رو به قبله بود و با تواضع و حضور قلب گفتند: ((الله البر)) و سوره حمد و توحید را با ترتیل (به آرامی و خوبی) خواندند و بعد از تمام شدن سوره توحید، به قدر یک نفس کشیدن صبر کردند. بعد دست خود را بلند کرده تا مقابل صورت بردند و در حالی که ایستاده بودند گفتند: ((الله اکبر)) و پس از آن به رکوع رفتند و کف دست را به سر زانو گرفتند. انگشتان آن حضرت از هم باز بود. زانو را به عقب دادند، چنانکه پا راست شد و پشت آن حضرت طوری مساوی شد که قطره آبی بر آن می گذاشتند، به هیچ طرفی نمی ریخت. گردن خود را کشیده و سر به زیر نینداختند و چشم را بر هم گذاردند و سه مرتبه به آرامی گفتند: ((سبحان ربی العظیم و بحمده)) بعد راست ایستادند و چون خوب ایستادند، گفتند: ((سمع الله لمن حمده)) و در همان حال که ایستاده بودند، دست را تا مقابل صورت خود بلند کردند و گفتند: ((الله اکبر)) و بعد به سجده رفتند. دو کف دست را پیش زانوها، مقابل صورت خود بر زمین گذاردند و انگشتان آن حضرت به هم گذارده شده بود. سه مرتبه گفتند: ((سبحان ربی الاعلی و بحمده)). اعضای بدن خود را از یکدیگر باز گرفته و بر هم نگذارده بودند (در حال سجده دست را به بدن نچسبانیده و بدن را بر پا نگذارده بودند) و بر هشت موضع بدن خود که به زمین گذارده بودند، سجده کردند که پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پا و سر بینی باشد. بعد از نماز فرمودند: گذاردن هفت موضع در وقت سجده به روی زمین واجب است که پیشانی و دو کف دست و دو سر زانو و دو سر انگشت بزرگ پا باشد. و اما گذاردن بینی بر زمین سنت (مستحب) است و آنها همان مواضع است که خدا در قرآن فرموده است: و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا و مسجدها از آن خداست و با وجود خدای یکتا کسی را به خدایی مخوانید. پس از آن سر از سجده برداشتند و وقتی نشستند گفتند: ((الله اکبر)) و به ران چپ نشسته، پشت پای راست را بر کف پای چپ گذاردند و گفتند ((استغفر الله ربی و اتوب الیه)) و دوباره در حالی که نشسته بودند. گفتند: ((الله اکبر)) و بعد به سجده دوم رفتند و مانند سجده اول، سجده دوم را تمام کردند. و در رکوع و سجود هیچ یک از اعضای بدن را بر یکدیگر نگذارده بودند و موقع سجده آرنج دست خود را باز نگاه داشته و به زمین نگذارده بودند. در حال تشهد خواندن، انگشتان دست آن حضرت از یکدیگر باز بود و به این کیفیت دو رکعت نماز خواندند و چون از تشهد فارغ شدند، فرمودند: ((ای حماد، این چنین نماز بخوان)) (۵۴)

پی نوشتها

۱- سفینه البحار، ج ۲ ص ۴۳-۲- صلوة الخاشعین آیه الله دستغیب، ص ۵۹-۳- سیمای فرزندگان، ص ۱۵۹-۴- همان ماء حذ، ص ۱۷۰-۵- بحار الانوار، ج ۸۳ ص ۲۱-۶- هود / ۱۱۴-۷- تفسیر منهاج الصادقین، ج ۴، ص ۴۶۲-۸- نماز از دیدگاه قرآن و حدیث ص ۱۳۸-۹- لثالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۰۵-۱۰- نماز از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۱۵۴-۱۱- کنیه ابوبصیر. ۱۲- بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۶-۱۳- واقع در ضلع شمالی غربی شهر قم که راه آن کنار پل قدیمی می گذرد. ۱۴- آثار الحجّه، ص ۱۴۶-۱۵- الغدیر، ج

۴، صص ۱۱۶ و ۱۶۰. ۱۶- تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۸، ص ۱۲۳. ۱۷- نساء / ۴۸. ۱۸- نساء / ۱۱۰. ۱۹- زمره / ۵۳. ۲۰- آل عمران / ۱۳۵. ۲۱- هود / ۱۱۴. ۲۲- بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۰. ۲۳- همان ماءخذ، ص ۲۰۴. ۲۴- الکلام یجز الکلام، ج ۲، ص ۳۵. ۲۵- یعنی صترف نماز و روزه نیست بلکه عمل، نیت پاک می خواهد. ۲۶- تحف العقول. ۲۷- داستانهای صاحبجلان، ج ۲، ص ۲۲۰. ۲۸- دومین نایب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه در غیبت صغری. او به سال ۳۰۵ هجری قمری از دنیا رفت. ۲۹- داستانهای صاحبجلان، ج ۱، ص ۱۳۱. ۳۰- اعراف / ۳۱. ۳۱- وسائل الشیعه، ج ۳، قسمت احکام ملابس. ۳۲- داستان دوستان، ج ۱، ص ۵۶. ۳۳- اصول کافی، ج ۲، باب الکفر، حدیث ۹. ۳۴- همان ماءخذ، ص ۱۲۳، باب التواضع. ۳۵- عنایت حضرت مهدی موعود (عج) به علما و مراجع تقلید، ص ۱۱۴. ۳۶- داستان دوستان، ج ۳، ص ۲۱۰. ۳۷- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۶. ۳۸- نساء / ۸۶. ۳۹- راه تکامل، ج ۱، ص ۱۹۰. ۴۰- داستان دوستان، ج ۴، ص ۸۵. ۴۱- الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۱۵۸. ۴۲- داستان دوستان، ج ۵، ص ۱۶۶. ۴۳- در آن زمان راه مشهد به نیشابور یا تربت حیدریه از شریف آباد می گذشت و به شاه تقی می رسید و از راهی که در این زمان چند فرسنگ کوتاhter بود، لکن از ((کال طرق)) به آن طرف کوهستانی بود و در زمستان به علت بارش برف، رفت و آمد به سختی انجام می گرفت. ۴۴- منظور مرحوم حاج عباس تربتی است. ۴۵- فضیلتهای فراموش شده، ص ۱۲۷. ۴۶- غلامرضا لطفی، مسؤ ول گردان در هورالعظیم از میبد یزد، مقاله در روزنامه اطلاعات مهر ۷۲. ۴۷- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴. ۴۸- داستان دوستان، ج ۱، ص ۲۷۰. ۴۹- ثواب الاعمال، ج ۲، ص ۵۰۶. ۵۰- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۸. ۵۱- پند تاریخ، ج ۲، ص ۱۳ به نقل از وافى. ۵۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۴۵. ۵۳- پند تاریخ، ج ۵، ص ۲۲۶. ۵۴- واعظ خانواده، ص ۵۲ به نقل از کافی، کتاب الصلوٰه.